

## بخش سوم

# پول و سرمایه

## و تأثیر آن در ساختار اجتماعات بشری از دیرباز تا کنون

آن چه که در این بخش اهمیت دارد، درک این واقعیت است که نظام سرمایه داری به شکلی که ما امروز می شناسیم، شکلی نیست که از ابتدا، یعنی از زمان فروپاشی نظام فئودالی و روی کار آمدن نظام سرمایه داری وجود داشته است، بلکه پروسه ای بوده که در چهارچوب خود رشد کرده و مراحل ارتقاء لازم را برای رسیدن به شکل عالی فعلی، یعنی مرحله گلوبالیزاسیون گذرانده است.

تولید کالا برای مبادله، از دیرباز در جوامع بشری معمول بود. مندل در کتاب «الفبای مارکسیزم» خود می گوید که این گونه تولید به ده تا دوازده هزار سال پیش برمی گردد، ولی دوران شکوفایی آن در پی انحطاط نظام ارباب - رعیتی آغاز شد.<sup>۱</sup> این تولید که به «تولید خرده کالایی» معروف است در آن زمان با آزادی صاحبان کالا در کار تجارت، شرایطی را به وجود آورد که به «اقتصاد بازار» معروف است. یعنی علیرغم تقسیم کار موجود و نقش دولت های حاکم در قوانین و مقررات، این روابط در بازار می توانست همواره وجود داشته باشد. در دوران «تولید خرده کالایی» هیچ گونه فشاری جهت ثروت اندوزی خصوصی بر فعالیت اقتصادی اعمال نمی گردید.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> - فصل چهارم، بخش دوم «تولید خرده کالایی»

<sup>۲</sup> - فصل چهارم، بخش یکم «تولید برای رفع نیاز و تولید برای مبادله»

تأثیر این وضعیت اقتصادی برای جامعه آن دوران، فرهنگ خود را به همراه آورد و مسائلی که پیش می آمد، جنبه اتفاقی و خارج از کنترل بشر را داشت. خرافات، جادو، بخت و اقبال حتی بر مسائل اقتصادی و روند تولید نقش تعیین کننده داشت. مندل می گوید: « لیکن این ها اساساً و همواره برای ارضای نیازهای میرم جمعی هستند و هدف نهایی آن ها مبادله یا ثروت اندوزی نیست.»

با تکامل تدریجی مالکیت خصوصی و با پیشرفت تقسیم کار و پیدایش تولید افزونه ثابت، نیروی کار (نیروی کار جمعی) در واحدهایی که مستقل از یکدیگر کار می کردند، تقسیم گردید. در این مرحله، کار خصوصی برای تولید بر کار جمعی اولیه غلبه یافت. با برکنار رفتن کار جمعی، ارزش های اخلاقی و روابط بین انسان ها نیز تغییر کرد. مالکیت خصوصی تولید و ابزار تولید، باعث دوری افراد جامعه از یکدیگر و از هم پاشیدگی مناسبات بدون واسطه گردید « حالا دیگر افراد و واحدها در حیات اقتصادی دارای روابط مستقیم با یکدیگر نبودند. مناسبات آنان اکنون از طریق واسطه های تبادل محصولات کارشان شکل می گرفت.

«کالا محصول کار اجتماعی است که مقصود از تولید آن مبادله آن به وسیله تولید کننده است، و نه مصرفش به وسیله تولید کننده و یا جماعتی که تولید کننده عضو آن است. لذا این شرایط اجتماعی اساساً با شرایط اجتماعی ای که در آن کل تولیدات برای مصرف بلاواسطه جماعت تولید کننده است، تفاوت دارد.»<sup>۳</sup>

« شکوفانی اصلی این نظام در سده های چهاردهم و شانزدهم در شمال و مرکز ایتالیا و هم چنین در شمال و جنوب هلند (و تا حدود کم تری در انگلستان، فرانسه و آلمان غربی) به وقوع پیوست. این شکوفانی نتیجه انحطاط نظام ارباب- رعیتی در این مناطق و هم چنین ناشی از این واقعیت بود که صاحبان کالاها که در بازار به داد

---

۳- همان جا

و سند اشتغال داشتند، به طور کلی آزاد و از حقوق کمابیش برابری برخوردار بودند.<sup>۴</sup>

## قانون ارزش

«قانونی را که حاکم بر مبادله کالاها است و نیز از طریق آن حاکم بر توزیع نیروی کار و تمام نیروهای تولیدی در شاخه های گوناگون فعالیت تولیدی است، "قانون ارزش" می نامیم.»<sup>۵</sup> مثال: «کالاها بر حسب مقدار کاری که برای تولید آن ها لازم است مبادله می شوند. محصول کار روزانه یک کشاورز با محصول کار روزانه یک بافنده مبادله می شود. دقیقاً در بدو پیدایش تولید خرده کالایی، زمانی که تقسیم کار ما بین صنعت گران و روستائیان هنوز بسیار ناقص است، و زمانی که هنوز بسیاری از فعالیت های پیشه وری در مزارع انجام می گیرد است که به وضوح آشکار می شود که مبادله فقط بر پایه ی چنین برابری می تواند استوار باشد. در غیر این صورت این و یا آن فعالیت تولیدی که هنگام مبادله با معادلی نازل تر از میزان واقعی خود روبرو می شد فوراً مطرود می گردید. بدین ترتیب در آن بخش کمیابی پدیدار می گردید. این کمیابی موجب بالا رفتن قیمت می شد، و بنابراین معادلی که تولید کننده مذکور دریافت می کرد نیز افزایش می یافت. در نتیجه فعالیت های تولیدی در بین بخش های مختلف تولیدی تغییر جهت داده، *قانون برابری* دوباره برقرار می گردید. در ازای مقدار کار انجام شده، مقدار مساوی ارزش مبادله می شد.»<sup>۶</sup>

قانون ارزش باید در عین حال بر طبق معیارهایی عمل کند که برای همه یک سان باشد.<sup>۷</sup> در نتیجه برابری روزهای کار در قانون ارزش مساوی است با تولید متوسط

<sup>۴</sup> - فصل چهارم، بخش دوم «تولید خرده کالایی»

<sup>۵</sup> - فصل چهارم، بخش سوم «قانون ارزش»

<sup>۶</sup> - همان جا

<sup>۷</sup> - همان جا

اجتماعی کار. این حالت در جوامع پیشا سرمایه داری کارایی داشت، بخصوص که در آن دوران پیشرفت تکنیک در زمینه های مختلف تولید بسیار کند انجام می شد. پس در آن زمان ارزش کالا بر اساس مقدار کار اجتماعی لازم برای تولیدش مشخص می گردید.<sup>۸</sup>

### پول و سرمایه

در دوران تولید خرده کالایی، هر کس محصول خود را در بازار برای مبادله با محصولاتی که خود تولید نمی کرد، می آورد. اما در نهایت این روش مشکلات خود را داشت و تدریجاً نیاز به یک وسیله برای مبادله احساس می شد. این وسیله «پول» بود. پول پدیده جدیدی در حیات اجتماعی انسان شد. پدیده ای که تا به امروز، تعیین کننده موقعیت اجتماعی افراد جامعه شده است؛ پدیده ای که باعث شد تا نظم طبیعی زندگی بشر به طور کلی زیر و رو شود. در این زمان «یک طبقه اجتماعی جدید یعنی صاحبان پول، مستقل و در تضاد با صاحبان کالاهای ساده پدیدار می شود. اینان همان رباخواران و یا تاجران خبره در تجارت بین المللی هستند.»<sup>۹</sup>

تفاوت بین یک صاحب پول (دلال، رباخوار، بانک) با آن صنعت گر یا آن روستایی در این است که صاحب پول، کالا را می خرد برای فروش، در حالی که صنعت گر یا کشاورز می فروشد برای خریدن مایحتاجی که ندارد. صاحب پول در صورتی می خرد که بداند کالا را می تواند گران تر بفروشد. پس هدف او از خرید ارزش افزونه ثروت اندوختن است، نه رفع نیازهایش.

سرمایه اولیه یا پول، به صاحب سرمایه این امکان را می داد که خود را صاحب ارزش افزونه اجتماعی که به وسیله دیگران تولید شده بود، نماید.

---

<sup>۸</sup> - همان جا

<sup>۹</sup> - فصل چهارم، بخش چهارم «ظهور سرمایه»

## آغاز دوران سرمایه داری

صرف داشتن سرمایه، آغاز دوران نظام سرمایه داری نبود. همان طور که در بالا آمد تاجران و دلال ها در دوران پیشا سرمایه داری نیز وجود داشتند. این سرمایه اما به راحتی مورد مخاطره قرار می گرفت و از دست دادنش آسان بود. « برای مثال تمپلارها در فرانسه را در سده ی چهاردهم می توان نام برد. بانک داران ایتالیائی که در سده ی چهاردهم هزینه جنگ های شاهان انگلیس را تأمین می کردند، به خاطر آن که این پادشاهان دیون خود را نپرداختند سرمایه های خود را از دست دادند.»<sup>۱۰</sup>

سرمایه داری از آن زمان آغاز شد که صاحب سرمایه، صاحب وسایل تولید هم شد. در این مرحله، تولید کالا هم از آن شکل تولید اجتماعی اولیه خارج شده و روند تولید سرمایه داری را به خود گرفت. سرمایه دار در این زمان، صاحب وسایل تولید شده و کارگر استخدام می کرد و تولیدات خود را نظم و سازمان می داد. این دیگر تولید اجتماعی نبود که «ارزش افزونه» را به وجود می آورد. بلکه ارزش افزونه در روند تولید به وجود می آمد. در این مرحله ارزش افزونه تنها از طریق تصاحب درآمد دیگران میسر است. اما در آن زمان تنها بخشی از ارزش افزونه از طریق کشاورزی یا صنایع تأمین می شد، بخش عمده این ارزش افزونه در نتیجه « خدعه و چپاول ... دزدی دریائی، غارت گری و تجارت برده در تحصیل ثروت اولیه ی تاجران عرب، ایتالیائی، فرانسوی، فلاندری، آلمانی و انگلیسی»<sup>۱۱</sup> به دست آمد. به عبارت دیگر سرمایه از طریق انتقال ثروت و تجمع ثروت اجتماعی در دست عده ای کسب گردید.

---

۱۰ - فصل چهارم، بخش پنجم «از سرمایه تا سرمایه داری»

۱۱ - فصل چهارم، بخش ششم «ارزش افزونه چیست؟»

## ارزش افزونه در نظام سرمایه داری چگونه بوجود میاید؟

ارزش کالای تولید شده به وسیله کارگران یک کارخانه می باید برابر باشد با ساعاتی که کارگران برای تولید آن صرف کرده اند. لذا اگر تولید یک کالا به وسیله یک کارگر حدود ۳ یا ۴ ساعت طول بکشد. کار کارگر برای آن روز پایان نمی یابد، بلکه او همواره ادامه داده و ۸ ساعت یا بیشتر هم کار می کند. در حالی که دست مزدی که برای تمام این ساعات به او داده می شود برابر است با ارزش همان اولین کالایی که تولید کرده بود. استفاده کالاهای بعدی دیگر به کارگر نمی رسد، بلکه مستقیماً به جیب صاحب کار می رود.

سود صاحب کار بر اساس جمع کل مخارج، منهای مبلغ فروش تعیین می گردد. مخارج، نظیر مخارج تهیه وسایل تولید و مواد اولیه، مقدارهای ثابتی هستند که از جیب سرمایه دار می رود. میزان دست مزد و آن تولید اضافه است که در قبال فروش سود آور است. یعنی هر چه میزان دست مزد پایین تر باشد، هزینه تولید اولین کالا پایین تر می آید و هرچه ساعات کار کارگر بیشتر باشد، میزان کالای مجانی برای صاحب کار بیشتر می شود. در بازار اما قیمت فروش تمام این کالاها بر اساس هزینه تولید اولین کالا به علاوه درصد سود تعیین می گردد. در نتیجه صاحب کار از کالای اولی سود می برد، در حالی که قیمت فروش بقیه کالاهای او صرفاً به سود تبدیل می شود. ارزش افزونه در نظام سرمایه داری از این طریق کسب می گردد.

این شیوه تولید سرمایه داری ناشی از سه تحول بنیادی در وضع اقتصادی و روابط اجتماعی انسان ها شد:

«الف- جدائی تولید کنندگان از وسایل تولید و وسایل امرار معاش خود. این جدائی در کشاورزی از طریق اخراج دهقانان کوچک از زمین هایی که در اختیار تیول داران بود و تبدیل این زمین ها به مراتع انجام پذیرفت. و در بین صنعت گران با تلاشی

تعاونی های سده های میانی، و از طریق تصاحب زمین های بکر کشورهای خارجی، و تصاحب خصوصی زمین های اشتراکی در روستاها و غیره.

ب- شکل بندی یک طبقه اجتماعی که مالکیت بر وسایل تولید را به انحصار خود در آورد: یعنی بورژوازی جدید. پیدایش این طبقه قبل از هر چیز مستلزم انباشت سرمایه در شکل پولی آن است و نیز بعد تحول وسایل تولید که قیمت آن ها را چنان بالا برد که فقط کسانی که مبالغ قابل ملاحظه ای از سرمایه- پول در اختیار دارند می توانند به این وسایل دست یابند. انقلاب صنعتی در سده ی هیجدهم که تولید آتی را بر پایه ی مکانیکی کردن صنعت قرار داد، تحول مذکور را به نحوی قطعی به انجام رسانید.

ج- تبدیل نیروی کار به کالا: این دگرگونی نتیجه ظهور طبقه ای است که به جز نیروی کارش چیز دیگری در مالکیت خود ندارد، و مجبور است که برای ادامه زندگی خود نیروی کارش را به صاحبان وسایل تولید بفروشد.

عریضه ای که در اواخر سده شانزدهم در لیدن (در هلند) به تحریر در آمد شرح گویایی از پرولتاریای جدید است: "مردمی تهی دست و محتاج که تعداد کثیری از آنان سختی بار معیشت زن و فرزندان را نیز به دوش می کشند، و جز آن چه از طریق کار دست ها عایدشان می شود، دارائی دیگری ندارند."<sup>۱۲</sup>

---

<sup>۱۲</sup> - فصل چهارم، بخش هفتم «شرایط پیدایش سرمایه داری نوین»